

متن پرسش

سلام علیکم: حضرتعالی در آن دسته آثارتان که مربوط به غرب شناسی و تمدن اسلامی است، به این سخن شهید آوینی (ره) اشاره زیادی دارید که در برخورد با تکنولوژی یا نظم مدرن و برخاسته از غرب متأثر مدرنیته، بایستی به خودآگاهی در شناخت تکنیک برسیم تا بتوانیم آن را در روح عقاید و فرهنگ خود مستحل کنیم. بحث شاید اینجا باز شود که ممکن است این اشکال و ابهام وارد شود که خب شما در مواجهه با تکنیک و تمدن غربی با این رویکرد درگیر انفعال می شوید و می خواهید که از ابزار و توسعه غربی بی بهره بگردید ولی در عین حال روحی که این ابزار با خود می آورد را در اثر غربشناسی و شناخت تکنیک قصد دارید بشناسید تا مبدا خودباخته و از خود بیگانه شوید و این یک رویکرد بیشتر نظری و حکمت اندیشه است و در عمل نظر به تمدن زایی و مواجهه در مقیاس تمدنی ندارید و می خواهید. مثلاً با بصیرت هم دین تان و عدم هضم در مدرنیته داشته باشید هم بهره از تکنیک و نظم مدرن. هر چند من معتقدم اگر ضوابط و مختصات را رعایت نکنیم این احتمال و شاید انفعال پیش بیاید ولی خب اینجا من نکنه دارم که ما اگر قصد تمدن سازی داریم و مواجهه خود را بصورت تمدنی با غرب مدرن می دانیم و حتی به تلقی من در جوهره با مدرنیته و غرب تضاد و تعارض های اساسی داریم در حدی که با دو انسان متفاوت در دو دستگاه انسان و تمدن سازی مواجهیم، چطور باید آن تکنولوژی و ساز و کاری که انکشاف و تعامل با طبیعت بعنوان مخلوق و صورتی از خالق حکیم است، درونش وجود دارد ولی در بستر غربی به طلوع و ساخت رسیده را بایستی در نظم تمدنی خود مستحل کنیم که رنگ خودی و در چارچوب تمدنی مان معنا بدهد و رنگ آن را بگیرد و مبدا حالتی نچسب و ناهمگن با روح تمدن اسلامی و به اصطلاح تافته جدا بافته به خود بگیرد مثل اینکه بسیاری ساز و کارهای اقتصاد ربوی غرب من جمله بانک را بصورت عجیبی می خواهیم اسلامیزه کنیم و سر آن عمامه بگذاریم در حالی که شاید در ساز و کارهایی تکنولوژی های مناسبی باشد ولی ذات بانک که با این کنه و ماهیتش نمی تواند در چارچوب روح فرهنگی و عقاید ما بیاید و با روح ما بخواند و ما دنبال این است نیستیم که ذات بانک ربامحور هست یا نه و نقطه ثقل آن با نقطه ثقل اقتصاد اسلامی آیا می خواند فقط دنبال این هستیم که عقود اسلامی در آن جاری شود و هم اکنون هم تبدیل به یک وصله ناجور شده است. سوال اصلی من که بصورت مختصر خدمتتان عرض کنم این است که چگونه می توان بستر و زمین خود را در عرصه های مختلف متناسب روح فرهنگی و عقایدمان تعریف کرد و به آن خودآگاهی و بصیرت رسید ولی وقتی بحث نظام سازی و ابزارسازی در میان است، هدف و حکمت نظری خود را شناخته و در طرح برنامه ها ابزار و تکنولوژی را در همین چارچوب مستحل کنیم و

بسازیم مثل کاری که امام با انتخابات کرد، نقطه ثقل حکومت اسلامی را تحقق ولایت الله از طریق ولی فقیه تعیین کرد و انتخابات را بعنوان ابزاری در نظام ولایی و با نظارتی مثل شورای نگهبان و در جهت گفتمان و امرهم شوری بینهم معنا داد و روح فرهنگی ما در انتخابات هست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در عقل تکنیکی، بحث در ظهور «وجود» است در این تاریخ. و این مثل ظهور «وجود» در انقلاب اسلامی است و لذا شناخت غرب به یک معنا منجر به حضور در تاریخی می‌شود که ما را فراگرفته است. و این غیر از انفعال از غرب است که خودِ غربی‌ها نیز در این رابطه، غرب زده‌اند. به این فکر کنید که بشر جدید، بشری است که تمدنی، خود را احساس می‌کند و نه فردی. و غرب به این معنا، جهانِ همه‌ی انسان‌ها است. و البته این غیر از اسلامیزه کردنِ غرب است که جنابعالی به‌خوبی متوجه‌ی آن هستید و متأسفانه بعضی از مذهبی‌های تجددزده گرفتار آن هستند.

فکر می‌کنم جواب سؤال‌تان را با نشان دادنِ شخصیت همه‌جانبه‌نگر شهید آوینی، راحت‌تر می‌توانم بیان کنم که چگونه آن شهید می‌فهمد در جهان باید حاضر شود و جهان را بشناسد ولی با روح عرفان حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه». البته در این رابطه به صورت جسته و گریخته، مطالبی عرض شده است، به‌خصوص در کانال تلگرامی «عصر جدید» به آدرس asre_jadeid@ . موفق باشید